مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره پنجم | دوشنبه ۳ قوس ۱۳۸۲ | ۲۹ رمضان المبارک ۱٤۲٤ - 24 November 2003

هموطنان عزیز و متدین
عید سعید فطر را به همۀ شما تبریک می گوئیم

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرا رسیدن عید سعید فطر

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان گرامی خواهران و برادران

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

عید سعید فطر که اینک با پایان یافتن ماه مبارک قیام و صیام فرا رسیده است، قدوم پر میمنت آن را به فرد فردی زن ومرد، پیروجوان ملت عزیز ومتدین مان یک و شادباش می گوییم.

مسلمانان امسال هم بر بنیاد سنت همیشگی باپایان یافتن ماه مبارک رمضان از روزهای خجسته عید سعید فطر بزرگداشت به عمل می آورندو از آن استقبال وپذیرایی می کنند.

آری! تجلیل از عید سعید فطر در تعلیمات و آموزه های اسلامی تجلیل از پیروزی انسان -که خود تافته یی بافته از غرائز و خواسته هاست- در برابر خواسته های نفس اماره وغرائز سرکش انسانی است. اعیاد و جشن های اسلامی جلوه گاه تقوی وطهارت، پالودگی وتصفیه جسم و روح در زندگی مسلمانان وبرپایی شادی از تعاون و همکاری با یکدیگر و دستگیری از ستمدیدگان و محرومان و مظهری از صفا وصمیمیت و حدت و همبستگی، برابری ومساوات میان همه گویندگان کلمه توحید و یکتا پرستی بوده است آرزو می بریم که ملت مسلمان و محروم ما با انجام فریضه روزه از این آزمون بزرگ موفق و پیروز بدر آمده باشند.

ص ۸

دکوچنی اختر په درشل کي

سلیمانخیل

سږکال کوچنی اختر په داسي شرایطو کي لمانځو، چي هیوادوالو د طالبانو د ماتي ددویمي کالیزي په باب غونډي جوړي کړي او هم د اساسي قانون مسوده راوتلي چي په خبري رسنیو کي دچارو پوهان پري نقادانه نظریات څرګندوي یا په بل عبارت مسوده یي تر هوار خیزي کره کتني لاندي نیولي ده.

دطالبانو له ماتي پند اخستل یوه مبارزاتي دنده ده، طالبان دبهرنیو پر ملاتړ او له اولس سره په، دښمني خپلي پنجي ښخي کړي وي. دغسي هغوي چي دولس فرهنګي، ټولنیزي، اقتصادي او نوري غوښتني تر پښو لاندي کړي که څه هم بهرني یي پرشاتیږوي، نو سرنوشت به یي دطالبانو غوندي وي.

دغسي یو شمیر کړي دطالبانو په څیر اعمال تر سره کوي او انسان ګومان کوي چي په یوه پل څیره دطالبانو پنجي ښخي دي دوي که په خپلو کړنو کي تجدید نظرونه کړي نوملت به یي استفراغ کړي، چي دغه نښاني په څینو مواردو کي لیدل شوي هم دي.

۸مخ

مسودۀ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

یک نگاه

عبدالعلی کوهی استاد فاکولتۀ ادبیات پوهنتون کابل

مسائل مهم مسودۀ قانون اساسی

مردم افغانستان قانون وحکومت قانون را کمتر تجربه کرده اند وبه همین موجب است که امروز قانون اساسی در افغانستان بیشتر به نام شاهان ونظامهایی که آن را نافذ ساخته اند شهرت دارند، در حالی که در کشورهای پیشرفتۀ جهان قانون اساسی به نام کشورها یاد می شود نه به نام این ویا آن فرمانروا! نمی دانم طرح این مساله چقدر می تواند دقیق باشد که ماتاکنون یک قانون اساسی پذیرفته شده به وسیلۀ مردم که آن را از خود بدانند نداشته ایم. گرچه همۀ قوانین اساسی را لویه جرگه ها تصویب نموده است. اما مردم و روشنفکران کشور در جریان تسوید وتهیۀ آن کمترین نقش را داشته اند.

ص ۳

ملاحظاتی بر مسودۀ قانون اساسی

ص ۲

خلک دجګړي پرځای په قانون فکر کوي

عبدالمالک «عاصم»

یو شمیر کسان وایي چي دنوي اساسي قانون په مسودي باندي بحث کول ګټه نلري، او څرنګه چي جوړ شوي همغسي به دلوي جرګي لخوا تصویب هم شي

لدي سره جوخت یو شمیر نور یادغي مسودي ته فقط په نیوکو مراجعه کوي او په اړه یي ښه نظر نه لري. ولي زه پدي باور یم چي که هرڅه یي شاته پریږدو او یوه اړخ ته یي فکر وکړو چي تر سبا واړه او زاړه پوه او ناپوه افغانان پخپلو مینځو کي په قانون بحث کوي دټوپک او زور له خبروني نفرت راځي. دموقت حکومت دراتلو سره جوخت افغانان په دننه او بهرکي پدي فکر کي شول چي باید څرنګه خپل حکومت. خلک او خپل کور بیاورغوي تر دووکلونو وراندي دخلکو په خولو کي هیڅ دبیا رغاوني کلیمه نه جوړیده ولي دامهال پدي نیوکي کوي چي دبیا رغاوني چارني یي په هیواد کي پدي ډول باید پرمخ ولاړي شي او تر ډیره دمطبوعاتو له لاري له خپلو هغو حقوقو څخه دفاع کوي چي واقعا یي مستحق دي

۷مخ

سرمقاله

از فرهنگ عید

ص ۲

احکام ومسائلی از عیدهای فطر وقربان

ص ۷

به ابتکار بنگاه انتشارات میوند:

گروهی از فرهنگیان به بحث پیرامون

مسودۀ قانون اساسی پرداختند



نصیرعبدالرحمن رئیس بنگاه انتشارات میوند



اسدالله ولوالجی



استاد مسعود استاد فاکولته اقتصاد



واقف حکیمی

بروز شنبه اول قوس به ابتکار بنگاه انتشارات میوند، محفلی زیر عنوان بحث آزاد در پیرامون مسودۀ قانون اساسی در سالن مطبوعاتی میوند دایر گردید.

دراین محفل جمعی از روشنفکران وفرهنگیان کشور اشتراک ورزیده بودند که استاد مسعود استاد فاکولتۀ اقتصاد دانشگاه کابل واقای اسدالله ولوالجی و آقای فرید حمیدی عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دکتر علی اصغر پیمان معین وزارت پلان، آقای عبدالکریم خرم، آقای عبدالغفور لیوال سخنگوی کمسیون تدقیق قانون اساسی آقای عبدالحفیظ منصور، استاد ادبیار زرینگر.

ص ۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
موسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تاسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی: ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دیجتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

از فرهنگ عید

مسلمانان از سالیان اغاز رسالت تا کنون در گسترهٔ سرزمین های پهناور اسلامی از روز های عید، عید فطر وعید اضحی با شکوهی خاص تجلیل کرده اند. در غالب، نماد های این تجلیل از عید ریشه در ارزشهای اصیلی دارد که در برخی از موارد می توان نظر به فرهنگ و جغرافیای سرزمین های مسلمانان در انها تنوع وچند گونگی مطبوعی را دید اما در جوهر ونهاد از یک هماهنگی و تناسقی زیبا بهره مند است.

برگزاری عید فطر که برای با موفقیت به در آمدن از تربیتگاه رمضان انجام می گردد یک سری از اموزه های روزه ورمضان را باید در طی روز های ان به منصه تطبیق اورد.

در یک ماه رمضان که نفس ادمی به انجام عبادات و ریاضات ویژه تربیت دیده و تجربهٔ تشنگی و گرسنگی ومحرومیت از ملذات زندگی را سپری کرده است بهتر می تواند حال نیازمندان را دریابد، در چنین روزی باید به سراغ دلهای محتاج به نوازش برود وبه همین دلیل است که مسلمانان به عنوان انجام یک واجب، پیش از پرداختن به ادای نماز عید باید پیمانه یی از غذا و یا پولی برابر با ان را به عنوان صدقهٔ فطر از جانب خویش واز سوی هر یکی از اهل خانواده خویش به نیازمندان بدهند و انان و فرزندان انان را در جشن وشادی خویش سهیم سازند.

یکی دیگر از مظاهر عید این است که مسلمانان برخود و خانوادهٔ خویش در این روزها در اراستگی در لباس و گشادگی در خوارک سعی ورزند زیرا که اسلام دین دنیا و اخرت و ناظر بر نیازمندیهای جسم وجان است. از حضرت امام حسن رضی الله عنه روایت شده است که فرمود:

رسول خدای در روزهای عید فطر و اضحی به ما دستور دادند که بهترین لباسی را که می توانیم بپوشیم و بهترین خوشبویی را که می توانیم استعمال کنیم و بهترین حیوانی را که می توانیم ذبح نمایی.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم خود در روز های عید زیبا ترین لباسهایشان را می پوشیدند و برای این روز ها و روز های جمعه جامه یی ویژه داشتند که آن را دریمن می ساختند.

همه می دانیم که عید با برگزاری نماز اغاز می شود و این برگزاری هیئت ویژه خود را دارد. جز شهر مکه در دیگر جایها بهتر است همه مردم آن دیار در یک نماز گاه جمع ایند و نماز عید را برپا دارند. پیامبر صلی الله علیه وسلم جز یک بار به دلیل بارندگی، در مسجد نماز عید را نگزارده اند، این برای ان است که تا همه مسلمانان یک محل در پیرامون هم گرد ایند و از مسائل و مهمات یکدیگر و مسائل همگانی جامعه اگاهی یابند. و به همین منظور زنان و کودکان نیز باید در برگزاری نمازهای عید شرکت ورزند. پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور می دادند که حتی زنان حایض هم به نماز حاضر شوند هر چند آنان در گوشه یی از محل نماز گزاری قرار می گرفتند و خود به زنان و کودکان خانواده اش دستور می دادند تادر نماز گاه حضور یابند. مساله یی که با تأسف فراوان تا هنوز در جامعهٔ ما چندان به فرهنگ تبدیل نشده است وشاید در همه جای افغانستان زنان از حضور در نماز های عیدین و جمعه ها محروم باشند و از سوی علمای دینی و سازمانهای اسلامی هم در این باره توجهی بایسته صورت نپذیرفته است، هر چند امروز در بسیاری از کشور های اسلامی دیگر رفتن زنان به مساجد به سان مردان جایگاه دینی اش باز یافته است.

نمادی دیگر از مظاهر تجلیل در روز های عید برگزاری مجالس مباح بازی و لهو وسرود خوانی است. وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه مهاجرت کردند مردم آن دیار دو روز برای انجام این سر گرمی ها داشتند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند خداوند به جایی آن دو برای شما دو روزی داده است که بهتر از آنها ست و دختران در خانهٔ همسران پیامبر جمع می شدند و به ساز و سرود می پرداختند و در روز عیدی حبشیان با شمشیر و سپر بازی می کردند و مردم به تماشای آنان نشسته بودند و حضرت عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم از پشت ایشان تا که خواسته بود آنان را به تماشا می گرفت و در چنین حالی پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: این کار را برای آن می کنیم تا یهودیان مدینه بدانند که در دین ما کشادگی وجود دارد و من بادین راست و اسان برانگیخته شده ام

در اعیاد دینی در اسلام همه خواسته های روح وتن ادمی مورد توجه بوده است. در انها هم نیاز و تشنگی روح را با قرار گرفتن در جوار یاد الهی می یابی و هم نیاز اورا به گوارایی های نکهت وتفریح، بی آن که هیچ یک بر دیگری چیره شود و از همین جاست که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته اند: روز های تشریق، روز های خوردن ونوشیدن، ویاد خدای عزوجل است

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

ملاحظاتی بر مسودهٔ قانون اساسی

۴

پیوسته به گذشته

سید عبدالله فرامرز

تعلیق احکام [illegible] را معطل بسازد ویا موارد [illegible] وضع نماید. بنا برهمین به جای جمله «تایید رؤسای شورای ملی» عبارت «با کسب رأی اکثریت اعضای شورای ملی» آورده شود.

در مادهٔ یکصد وچهل وهفتم: عبارت، هرگاه حالت اضطراری بیش از چهار ماه دوام نماید، لویه جرگه از طرف رییس جمهور دعوت می شود، تعدیل وصلاحیت رییس جمهوری در این زمینه به شورای ملی منتقل گردد.

در فصل دوازدهم، احکام انتقالی طی مادهٔ یکصدو پنجاه وششم عبارتی آمده است که به هیچ وجهی قابل

قانون وقتی اعتبار کسب می کند واز جانب شورای ملی مشروعیت می گیرد که مطابق اصول وموازین از قبل پذیرفته شده ترکیب وتنظیم گردیده وقابلیت تطبیق در مسیر طولانی زمان را داشته باشد

قبول بوده نمی تواند وارزش درج شدن در یک وثیقهٔ ملی را ندارد. طراحان هیچ سند تقنینی حق ندارند این چنین عاقبت نیندیشانه وخلاف موازین ومعیارهای پذیرفته شدهٔ علمی، طرح وتدوین قوانین در یک کشور را تابع امیال واغراض فردی وخلاف منافع ملی نمایند.

قوانین تعیین کنندهٔ روابط عام واساسی اتباع یک کشور وتضمین کنندهٔ حقوق، امتیازات ومکلفیت های شان بوده وحدود صلاحیت دولت را [illegible] طرف وچگونگی فعالیت روزمرهٔ افراد ونهادهای دولتی را از جانب دیگر تعیین وطرح ریزی می نماید وبه هیچ صورت قبول

وباامتیازات شهروندان به صورت عام، کل جامعه را مدنظر دارد. هیچ سطری باماده یی در هیچ گوشه یی از دنیا صرفا برای تامین منافع کدام شخص معین ومشخص، آن گونه که خلاف احکام اساسی ومندرج در قانون [illegible] ایراد نمی شود.

قانون وقتی اعتبار کسب می کند و از جانب شورای ملی مشروعیت می گیرد که مطابق اصول وموازین از قبل پذیرفته شده ترکیب وتنظیم گردیده وقابلیت تطبیق در مسیر طولانی زمان را داشته باشد وچنین قانونی می تواند بااراده ملی مردم یک جامعه ضمانت اجرایی بیابد، در غیر این صورت چون عبارتی بی اعتبار بر روی کاغذ باقی مانده جز این که اسباب گسترش اختلاف ودرد سر باشد نتیجه یی دیگر به بار نخواهد آورد.

چه لزوم دارد که لقب بی مسمای به اصطلاح بابای ملت، که از هیچ مرجع ومقامی مشروعیت کسب نکرده وبا منطق عقل ومنطق وجمهوریت سازگاری ندارد، باعبارات مضحک مادام العمر در متن قانون اساسی کشور درج [illegible]

[illegible]

ملی کشور [illegible] که وسما به وی اعطا گردیده وجاهم [illegible] مساله معنوی [illegible] قانون اساسی کشور فصل وبندی موجود [illegible]

همچنان [illegible] جهاد ومقاومت [illegible] که [illegible] در دوران جهاد [illegible] مقاومت [illegible] وجود [illegible] نقش بزرگ ایفا نموده اند یادی نشده است.

نابجاست که در قانون اساسی کشور ذکری از این مناسبت ها موجود نباشد وبرای مقامات دولتی هیچ گونه پابندی ورعایت عملی، به حق شناسی وقدر دانی از شهدا وقهرمانان ملی کشور [illegible] نشود، اما برای کسانی که دوران طولانی زمامداری شان برگی از افتخار در سطح ملی ندارد، فصل وبندی جداگانه درج گردد.

چنین می نماید که مقامات دولت از عنوان کردن نام و نشان رسمی برای شاه پیشین بیشتر به منافع و مصالح خویش نظر داشته اند تا جایگاه ایشان، شاید با این کار در صدد جلب حمایت وپشتیبانی ایشان از ادامهٔ حکمروایی خویش باشند. مساله یی که در نزد [illegible] محمد ظاهر وطرفدارانش بسیار کم اهمیت شده است.

به این ترتیب مادهٔ [illegible] [illegible]

ص ۵

در فصل ششم، متن موجود چنین اصلاح گردد:

مادهٔ یکصد ودهم:

- اجلاس فوق العادهٔ (لویه جرگه)

شورای عالی که ترکیبی از هردومجلس شورای ملی، اعضای شوراهای ولایات واعضای شوراهای واحد های اداری مربوط ولایات (ولسوالی ها) می باشد، هنگام ضرورت بنا به پیشنهاد یک ثلث مجلس نمایندگان «ولسی جرگه» وبعد از تأیید اکثریت اعضای شورای ملی دایر می گردد.

- اجلاس فوق العادهٔ لویه جرگه (شورای عالی) وسیع ترین مظهر ارادهٔ ملی مردم افغانستان است.

لازم به تذکر است که صرفا حضور رؤسای شوراهای ولایات ورؤسای واحدهای اداری ولایات واشتراک وررا در اجلاس عالی کافی نبوده وبک اکثریت بزرگ دیگر نیز که در ترکیب شوراهای ولایات وواحدهای اداری ولایات (ولسوالی ها) نمایندگی آنان تمثیل می شود، باید در امور خطیر ملی سهیم ساخته شوند، تا ارادهٔ ملی به وسیع ترین وجه ممکن، هنگام اتخاذ تصامیم مهم وبزرگ ملی بازتاب خود را داشته باشد.

در مادهٔ فوق که باید مقام دعوت کننده وطرز تدویر اجلاس فوق العادهٔ شورای عالی باعبارت صریح وبدون ابهام، روشن ساخته می شد، نشده است. لذا در صورت قبول متن پیشنهادی نگارنده، هم صراحت بیان افاده می گردد وهم ابهام موجود رفع می شود.

در مادهٔ یکصدوهجدهم، بند دوم اصلاح گردد:

اعضای دادگاه عالی(ستره محکمه) تبعهٔ افغانستان بوده وتابعیت دوگانه نداشته باشند مسلمان متدین ودانشمند علوم اسلامی بوده، دارای تحصیلات عالی در عرصهٔ علوم فقهی وحقوقی ودارای تخصص وتجربه در نظام قضایی افغانستان باشند.

در مادهٔ یکصدونزدهم، در پایان سوگندنامهٔ اعضای دادگاه عالی، پس از (اجرا نمایم) چنین اضافه شود: وهدفی جز تامین عدالت وکسب رضای پروردگار (ج) را در نظر وعمل دنبال ننمایم.

در فصل نهم، مادهٔ یکصد وچهل وسوم، جملهٔ «از طرف رییس جمهور» به جملهٔ «به پیشنهاد رییس جمهور» تعدیل، وجملهٔ «تأیید شورای ملی» به جملهٔ «باارای اکثریت اعضای منتخب شورای ملی» تعدیل گردد.

در مادهٔ یکصدو چهلم افادهٔ مبهم واستفهام انگیز «به مشورهٔ رؤسای شورای ملی وداد گاه عالی (ستره محکمه)» به جملهٔ صریح وشفاف «رأی اکثریت اعضای انتخابی شورای ملی» تعدیل واصلاح گردد.

در مادهٔ یکصدوچهل وپنجم که امده است:

در حالت اضطراری رئیس جمهور می تواند بعد از تایید رؤسای شورای ملی وداد گاه عالی(ستره محکمه)

تأمین خواهشات نامعقول فردی شده نمی تواند.

متون قوانین، اصول وضوابط را بگونه یی ترتیب وتنظیم می نماید که منافع عمومی افراد را در نظر گرفته ومطابق احکام مندرج در فصل ها وبندهای متفاوت ومتعدد، موانع وقیودی بر روابط وعملکرد اشخاص وافراد یک جامعه وضع می کند، اما در عین حال این موانع وشروط نیز، همانند حقوق، وجایب ومکلفیت ها

است. این درخواست در حقیقت امر در حد یک درخواست مطرح شد ودر همان محدوده باقی هم ماند. حالا عده یی می خواهند این مطلب را حتا درج قانون اساسی کشور نمایند که خیلی، عاقبت نیندیشانه وغیر منطقی می نماید وتعجب بر انگیز است که طراحان مسودهٔ قانون اساسی حتا یک حرفی هرچند از باب حق شناسی مصلحت امیزهم که بوده باشد، در مورد قهرمان

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

یک نگاه اجمالی بر
بر مسائل مهم مسودهٔ قانون اساسی

اکنون بعد از ماه ها انتظار مسودهٔ قانون اساسی به معرض ارزیابی ومطالعهٔ مردم واهل نظر قرار گرفته است. من دقیقاً نمی دانم که چقدر نظرها واندیشه های دانشمندان وصاحب نظران می تواند سرنوشت این قانون را به نفع مردم سالاری ودموکراسی تغییر دهد. ای کاش قبل از این مسودهٔ قانون اساسی که حالا در اختیار قرار دارد، در معرض دید ومطالعهٔ مردم قرار می گرفت. تامردم آزادانه نظریات خود را ارایه می کردند تابعداً در آن تعدیل به وجود می آمد، آنچه صورت پذیرفته است در پشت دروازه های بسته وبه مشورهٔ کسانی به وجود آمده است که هم اکنون بر اریکهٔ قدرت تکیه زده اند. باید بپذیریم که کشور در یک بحران عمیق سیاسی قرار دارد و به همیاری نیروهای بین المللی جنگ تمام عیار در کشور فروکش نموده است. اما انگیزه های جنگ هنوز هم وجود دارد. ما به یک حکومت مشروع نیاز داریم وآرزوی میلیونها انسان این سرزمین است تا از طریق مفاد قانون اساسی وبه شیوهٔ مسالمت آمیز تمام فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی در جغرافیای سیاسی کشورما به وجود آید. این آخرین فرصت خواهد بود تا به پاره یی از اختلافات ملی که سالها لاینحل باقی مانده است، به وسیله این قانون راه حل پیدا شود. ما که هرقدر وحدت ملی بگوییم ودر این زمینه رجز خوانی نماییم کاری به جایی نخواهیم برد. این کار مستلزم یک میکانیزم عملی است. نمی شود باکج بحثی وتخدیرافکار به این مأمول دست یافت. وقتی به این باوریم که قانون اساسی بزرگترین وثیقهٔ ملی است ومحور اصلی نظام سیاسی هرکشور پنداشته می شود ودر برگیرندهٔ یک سلسله مقررات وقواعد کلی است واز سوی دیگر نوع رژیم سیاسی وحقوق وآزادی های اساسی افراد را در یک جامعه در برابر دولت نیز مشخص می سازد. روی این اصل آنچه در خصوص این مسوده ارایه وتقدیم می شود نه انتقاد است ونه بدبینی، بل علاقه مندی به سرنوشت کشور است وبس. حال می پردازیم به پاره یی از ملاحظات که در مسودهٔ قانون اساسی وجود دارد.

درمیان مادهٔ شانزدهم وبیستم فصل اول یک تناقض منطقی وجود دارد، طوری که درمادهٔ شانزدهم آمده است: از جملهٔ زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی وسایر زبانهای رایج در کشور، پشتو ودری زبانهای رسمی دولت می باشد، اما در مادهٔ بیستم آمده است که سرود ملی افغانستان به زبان پشتو می باشد. به نظر من قانون اساسی در کشور نباید خود درد سر برای مردم خلق کند وباترجیح زبانی برزبانی دیگر موجب تفرقه وبرهم زدن وحدت ملی گردد بهتر خواهد بود سرود ملی به هردو زبان تهیه شود. یعنی بندهایی به دری وبندهایی به پشتو باشد. می شود سرود ملی به صورت یک کمپوز آورده شود وواژهٔ پشتو ودری درآخر ذکر شود. همین اکنون در کشورهایی که مردم آنها به دوزبان تکلم می کنند این موضوع را در نظر می گیرند.

در مادهٔ چهل وششم آمده است که دولت می تواند بنیان نهادن موسسات تعلیمات عالی عمومی واختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. در حالی که همه دشواری هایی که در کشور به جود آمده است، به وسیلهٔ خارجی ها بوده است ونازمانی که کشور به آگاهی سیاسی و رشد اقتصادی خود نایل نشود تعلیم جوانان کشور به دست خارجی ها به نظر من خوشایند نیست.

> **برای معاون رئیس جمهور، وزرا واعضای شورای ملی وستره محکمه وقضات مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می شود. اما برای استاد، معلم، کارمند وکارگر هیچ ضمانتی رفاهی در نظرگرفته نشده است گویا کسانی که وزیر نیستند معاش مناسب کار ندارند. به غذا ورفاه اجتماعی نیاز ندارند.**

خارجی ها می توانند اگر علاقه داشته باشند جوانان را درچهارچوب دولت همکاری نمایند. این کار پیش از آن که به انتقال تکنولوژی در کشور منجر شود به گسترش ایدئولوژی های وارداتی منجر می شود.

در مادهٔ شصتم فصل سوم آمده است که رئیس جمهور در برابرملت مسؤول است. بهتر خواهد بود چنین نوشته می شد که رئیس جمهور در برابر پارلمان که متشکل از نمایندگان مردم است مسؤول باشد. زیرا پارلمان عملاً در یک مرکز واحد قرار دارد ونام بردن مردم وملت طفره رفتن از مسؤولیت است.

در مادهٔ شصت ویکم وقتی از آرای رای دهندگان سخن به میان می آید، از سن اهلیت ذکری به عمل نمی آید، یعنی مردم در کدام سن وسال رای بدهند وموضوع زن در رای دهی مجهول است، باید آرای زنان صریحاً تذکر داده شود.

درمادهٔ شصت وچارم - تعیین وزرا ولوی سارنوال به تایید ولسی جرگه... بهتر خواهد بود کلمهٔ پیشنهاد به کار برده شود وچندین بار این کلمه به لفظ تعیین به کار برده شده است.

درمادهٔ شصت ونهم آمده است که اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضدبشری، خیانت ملی، باجنایت از طرف یک ثلث اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند، در صورتی که این تقاضا از طرف دوثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد. ولسی جرگه در خلال مدت یکماه لویه جرگه را دایر می کند. نمی دانم منطق این طرح درکجاست. اول چگونه می توان یک کتلهٔ عظیم را از سراسر کشور در ظرف یک ماه در یک محل جمع نمود. آیا مصارف وهزینهٔ آن از کجا تمویل خواهد شد. چرا پارلمان مستقیماً به موضوع رسیدگی کرده نمی توانند؟ از جانب دیگر رئیس جمهور در قدرت است، هنوز از وی سلب اعتماد صورت نگرفته است. یقینا در این خصوص اعمال نفوذ از طرف رئیس جمهور صورت خواهد گرفت. زیرا در تمام دوره های تاریخ، لویه جرگه از طرف یک حاکمیت دعوت شده است وبه آن حاکمیت مشروعیت بخشیده است.

یک موضوع خیلی مهم که در این مسوده آمده است، در نظر گرفتن شوراهای ولایات وولسوالی هاست. ودر حقیقت در درون یک دولت، دولت دیگر ایجاد می شود که آن عبارت از موجودیت شوراهای متعدد در کشور است. دیگر چه ضرورتی به رئیس محکمه بایشوانهٔ قانون اساسی، پلیس، سارنوالی... وغیره وجود دارد. دیگر چه ضرورتی به وجود این شوراهاست. این تعدد قدرت قطعا به نفع مردم افغانستان نیست. این کار خود سبب کشمکش های قومی را در سطح ولایات وولسوالی ها به وجود می آورد ودولتی است در درون دولت.

> **به نظر من قانون اساسی در کشور نباید خود درد سر برای مردم خلق کند وباترجیح زبانی برزبانی دیگر موجب تفرقه وبرهم زدن وحدت ملی گردد بهتر خواهد بود سرود ملی به هردو زبان تهیه شود.**

درمادهٔ هشتاد وپنجم آمده است که به کاندیدهای ولسی جرگه سن ۲۵سالگی واز مجلس سنا سن ۳۵سالگی را تکمیل کرده باشند در این تفاوت سن چه حکمتی است اگر تجربه، جرئت وصلاحیت مشوره مطرح بوده باشد باید هر دو در یک سطح وسن قرار داشته باشند.

در مادهٔ شصت وهفتم آمده است که رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید. در صورتی که شورای ملی این استعفا را می پذیرد، باید مسوولیت مادهٔ شصت ونهم یعنی اتهام رئیس جمهور به جانب را بپذیرد. در غیر آن رئیس جمهور باید استعفای خود را به لویه جرگه تقدیم کند.

درمادهٔ هشتاد ویکم آمده است، شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان بحیث عالی ترین ارگان تقنینی، مظهر ارادهٔ مردم آن است وار قاطبهٔ ملت نمایندگی می کند. ودر مادهٔ یکصد ونهم می خوانیم لویه جرگه عالی ترین مظهر ارادهٔ مردم افغانستان است. فهمیده نشد که مردم افغانستان چند مظهر اراده دارد. وقتی که ما در قانون اساسی از دموکراسی وجامعهٔ مدنی... جانبداری می نماییم چرا یک مقدار صلاحیت های لویه جرگه که یک همایش قدیمی وپیشین است به شورای ملی تفویض نشود در حقیقت همان قضایا ومسائلی که درمادهٔ یکصد ویازدهم آمده است: لویه جرگه در حالات ذیل دایر می شود:

اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی ومصالح علیای کشور ... در حالی که وظایف پارلمان های دنیا تنها تصویب بودجه سالانه دولت واستماع گزارش از کارهای وزرا نیست، بلکه این گونه قضایا را نیز شامل می شود.

درمادهٔ یکصد وپنجاه وپنجم آمده است: برای معاون رئیس جمهور، وزرا واعضای شورای ملی وستره محکمه وقضات مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می شود.

اما برای استاد، معلم، کارمند وکارگر هیچ ضمانتی رفاهی در نظرگرفته نشده است. گویا کسانی که وزیر نیستند معاش مناسب کار ندارند. به غذا ورفاه اجتماعی نیاز ندارند. این ماده ارزش دموکراتیک بودن این مسوده را زیر سوال می برد. ونیز سخن در بارهٔ معاش رئیس جمهور در آن نرفته است چنان که رئیس جمهور به معاش نیاز نداشته باشد ویا معاش را از جایی دیگر به دست می آورد.

در مادهٔ یکصد وچهل وپنجم آمده است که اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام ونظام جمهوری تعدیل نمی شود. اما در مادهٔ هفتم این مسوده منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول واعلامیهٔ جهانی حقوق بشر قابل رعایت دانسته شده است. در حالی که در برخی از موارد دیده می شود که ارزش های دین اسلام باحقوق بشر در تصادم قرار می گیرد. وقتی مرد وزن برضا ورغبت از روی به معاشرت جنسی می پردازند، حقوق بشر به آن الزامی وارد نمی کند. اما در اسلام قضیه طوری دیگر است فهمیده نمی شود که این رعایت چگونه است.

موضوع دیگری که در این مسوده در نظر گرفته نشده است، قضیهٔ تابعیت دوگانه است، در خصوص این موضوع سکوتی مرگبار اختیار شده است. آیا می شود قبول کرد که اعضای کابینه تابعیت دوگانه داشته باشند ویاران خارجی داشته باشند بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای اسلامی، در قانون اساسی خویش تسجیل نموده اند که داشتن تابعیت دوگانه مانع رسیدن آنها به مقامات عالی دولتی چون کابینه ورهبری قوای مسلح است. امروز وزیری را می شناسیم که گفته بود، بایک بکس خالی از امریکا آمده ام وبا یک بکس خواهم رفت، این است میزان وفاداری یک وزیری که تابعیت دوگانه دارد. امید است در یک ماده قید شود که اعضای کابینه وجنرالان اردو تابعیت دوگانه نداشته باشند، ووقتی آنها به این پست مقرر می شوند، تابعیت خارجی آنها رسماً از آنها گرفته شود.

لویهٔ جرگهٔ اضطراری برای احمدشاه مسعود لقب قهرمان ملی داده بود اما در این مسوده ذکری از آن به میان نیامده است درحالی که باخدمات بزرگ وفداکاری های کلانی به این سرزمین انجام داده است جای دارد از وی یاد شود.

عید در غزلیات حافظ ومولانا

سه غزل از مولانا

مبارک باد

عید بر عاشقان مبارک باد
عاشقان عید تان مبارک باد
عید ار بوی جان ما دارد
در جهان همچو جان مبارک باد
بر توای ماه آسمان و زمین
تا به هفت آسمان مبارک باد
عید آمد به کف نشان وصال
عاشقان این نشان مبارک باد
روزه مگشای جز به قند لبش
قند او در دهان مبارک باد
عید بنوشت بر کنار لبش
کین می بی کران مبارک باد
عید آمد که ای سبک روحان
رطلهای گران مبارک باد
چند پنهان خوری صلاح الدین
بوسهای نهان مبارک باد
گر نصیبی به من دهی گویم
بر من و بر فلان مبارک باد

بخت سعید

مولانا

عید آمد و عید آمد وان بخت سعید آمد
برگیر ودهل می زن کان ماه پدید آمد
عید آمد ای مجنون، غلغل شنو از گردون
کان معتمد سدره از عرش مجید آمد
عید آمد ره جویان، رقصان و غزل گویان
کان قیصر مه رویان زان قصر مشید آمد
صد معدن دانایی مجنون شد و سودایی
کان خوبی وزیبایی بی مثل وندید آمد
زان قدرت پیوستش، داود نبی مستش
تا موم کند دستش، گر سنگ وحدید آمد
عید آمد و ما بی او عیدیم بیا تا ما
بر عیدزنیم این دم کان خوان و ثرید آمد
زو زهر شکر گردد، زو ابر قمر گردد
زو تازه و تر گردد، هرجا که قدید آمد
بر خیز به میدان رو، در حلقهٔ رندان رو
رو، جانب مهمان رو، کز راه بعید آمد
غمهاش همه شادی، بندش همه آزادی
یک دانه بدو دادی، صد باغ مزید آمد
من بندهٔ آن شرقم، در نعمت آن غرقم
جز نعمت پاک او، منحوس و پلید آمد
بربند لب و تن زن، چون غنچه وچون سوسن
رو صبر کن از گفتن، چون صبر کلید آمد

تا باد چنین بادا

معشوقه بسامان شد، تا باد چنین بادا
کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا
ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد
باز آن سلیمان شد، تاباد چنین بادا
یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
غمخوارهٔ یاران شد، تا باد چنین بادا
هم باده جدا خوردی، هم عیش جدا کردی
نک سرده مهمان شد، تا باد چنین بادا
زان طلعت شاهانه، زان مشعلهٔ خانه
هرگوشه چو میدان شد، تا باد چنین بادا
زان خشم دروغینش، زان شیوهٔ شیرینش
عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا
شب رفت صبوح آمد، غم رفت فتوح آمد
خورشید درخشان شد، تا باد چنین بادا
از دولت محزونان وزهمت مجنونان
آن سلسله جنبان شد، تا باد چنین بادا
عید آمد وعید آمد، یاری که رمید آمد
عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا
ای مطرب صاحبدل، در زیر مکن منزل
کان زهره بمیزان شد، تا باد چنین بادا
درویش فریدون شد، هم کیسهٔ قارون شد
همکاسهٔ سلطان شد، تا باد چنین بادا
آن باد هوا را بین، زافسون لب شیرین
بانای در افغان شد، تا باد چنین بادا
فرعون بدان سختی، با آن همه بدبختی
نک موسی عمران شد، تاباد چنین بادا
آن گرگ بدان زشتی، با جهل وفرامشتی
نک یوسف کنعان شد، تاباد چنین بادا
شمس الحق تبریزی، از بس که در امیزی
تبریز خراسان شد، تا باد چنین بادا
از اسلم شیطانی شد نفس تو ربانی
ابلیس مسلمان شد، تا باد چنین بادا
آن ماه چو تابان شد، کونین گلستان شد
اشخاص همه جان شد، تا باد چنین بادا
بر روح بر افزودی تا بود چنین بودی
فر تو فروزان شد، تا باد چنین بادا
قهرش همه رحمت شد، زهرش همه شربت شد
ابرش شکر افشان شد، تا باد چنین بادا
از کاخ چه رنگستش؟! وزشاخ چه تنگستش؟!
این گاو چو قربان شد، تا باد چنین بادا
ارضی چو سمایی شد مقصود سنایی شد
این بود همه آن شد، تا باد چنین بادا
خاموش که سرمستم بربست کسی دستم
اندیشه پریشان شد، تا باد چنین بادا

عید وصل

گر عید وصل تست منم خود غلام عید
بهر توست خدمت و سجده و سلام عید
تا نام تو شنیدم شد سرد بر دلم
از غایت حلاوت نام تو نام عید
ای شاد آن زمان که در آید وصال تو
تا ما زگنج وصل تو بدهیم وام عید
تا آفتاب چهرهٔ زیبات در رسید
صبحی شود زصبح جمال تو شام عید
در یمن و در سعادت و در بخت و درصفا
ای پرتو خیال تو بوده امام عید
ای سجده ها به پیش درت واجبات عید
وی دیده خویشتن زتو قایم خرام عید
جام شراب وصل تو پر کن زفضل خود
تا کام جان روا شود از جام وکام عید
اندر رکاب تو چو روانها روا شوند
د روی کجا رسد به دو صد سال گام عید
آمد زگرد راه تو این عید ومژده داد
جانم دوید پیش و گرفته لگام عید
دانست کز خدیو اجل شمس دین بود
این فر و این جلالت و این لطف عام عید
لیکن کجاست فر وجمال تو بی نظیر
خود کی شوند دلشدگان تو رام عید
تبریز با شراب چنان صدر نامدار
برتو حرام باشد بی شبهه جام عید

حاصل سی روزه

حافظ

روز عید است و من امروز در آن تدبیرم
که دهم حاصل سی روزه وساغر گیرم
چند روزیست که دورم ز رخ ساقی وجام،
بس خجالت که پدید آید از این تقصیرم!
من به خلوت ننشینم پس از این؛ ور به مثل
زاهد صومعه بر پای نهد زنجیرم!
پند پیرانه دهد واعظ شهرم، لیکن
من نه آنم که دگر پند کسی بپذیرم.
آن که بر خاک در میکده جا داشت کجاست
تا نهم در قدم او سر و پیشش میرم؟
می به زیر کش و، سجادهٔ تقوا بر دوش!-
آه اگر خلق شوند آگه از این تزویرم!
خلق گویند که: «حافظ. سخن پیر شنو!»-
سالخورده میی امروز به از صد پیرم!

مقولهٔ ریزه گرایی و ریزه گرایی در ادبیات ۳

رهنورد زریاب

هرچند کاوه گوهرین، رستگاری ونجات ادبیات- به ویژه ادبیات داستانی را- در جهان آینده، در رویکرد به مینی مالیزم می داند(۱۵)، ولی- چنان که گفته آمد- آدمی در زمانه های بسیار دور، در گذشته ها، در همه زمینه ها، از جمله در زمینهٔ ادبیات، به ریزه گرایی پرداخته ونمونه های درخشان مینی مالیستی را پدید آورده است. واین کار- بازهم چنان که پیش از این اشارت رفت- از ویژگی ها ونیازهای روان وذهن وسلیقهٔ آدمیان بوده است.

بااین همه، مقولهٔ مینی مالیزم، مقوله یی است تازه ونو که بیشتر از چهل سال عمر ندارد. این مقوله، بارنخست، در دههٔ شصت میلادی، از سوی نقدگر امریکایی- ریچارد ولهایم- به کار رفت. او در ستایش وپشتیبانی از ریزه گرایی گفت:«اندک بسیار است!»(۱۶)

بدین سان، مقولهٔ مینی مالیزم= ریزه گرایی، در عرصه های نقاشی وپیکر تراشی، مجال کار برد یافت.

نقاشان وپیکرتراشان مینی مالیست= ریزه گرا، شکل ها را به عناصر ساده یی چون مکعب ها، مستطیل ها وسطوح متوازی تبدیل می کردند و«کاهش» می دادند.(۱۷)

چند سال پسانتر، در سال ۱۹۷۱، نقدگر دیگری به نام«روبرت پنکوس ریتن» در شرح ووصف کارهای«ایواهیس»، مقولهٔ پست مینی مالیزم (Pstminimism)= پساریزه گرایی را نیز به کار برد. مدلول های این مقوله، آن پدیده هایی هستند که در پدید آوردن آن ها، از مواد ناپایدار، فرار وکم دوام کار گرفته شده باشد(۱۸).

بدین صورت- ظاهراً- کوتاه بودن هستی عینی این آثار، آن ها را در قلمرو پساریزه گرایی جای داده است. به سخن دیگر، این آثار از آن رو پدیده های پسا ریزه گرا هستند که هستی مادی آن ها به زمان درازی نیازمند نیست ودیر نمی پاید.

مینی مالیزم در عرصهٔ ادبیات باختر زمین، به شکل رویکرد به سرودن شعرهای بسیار کوتاه- به ویژه به تقلید از هایکوها وتانکه های جاپانی- نمایان شد وسپس در زمینهٔ نثر داستانی نیز راه یافت. داستان نویسان ریزه گرا، نوشته ای کوتاه آغازین راست همیگوی را سرمشق خودشان قرار دادند ونویسندگانی چون«ریموند کارو» و«رونالد بارتلمی» در کار آفرینش داستان های ریزه گرایانه تلاش بسیار کردند.(۱۹)

داستان های مینی مالیستی(پدیده های مینی مالیستی را- غالباً- پدیده های مینی مال= Mnimalمی گویند) داستان های بسیار کوتاه هستند. این تأکید بر«بسیار کوتاه» بودن، بیانگر تفاوت کلی داستان ریزه گرایانه باداستان کوتاه معمول- از رهگذر ساخت، تکنیک، زبان، شیوهٔ بیان ماجرا وگفتگو های موجود در اثر- است.

در داستان های مینی مالیستی= ریزه گرایانه، به اقتضای بیان حوادث، از تمثیل واستعاره چندان خبری نیست وجمله های داستان هم، بسیار کوتاه هستند. یعنی ایجاز در بیان، حرف اول در آفریدن چنین داستان به شمار می رود(۲۰) مینی مالیست ها= ریزه گرایان بدین اصل باور دارند که با نگه داشت اصول فنی وساختار یکی داستان، باکمترین گفتگو وباحذف لفاظی های رایج، بازبانی ساده وعاری از پرگویی: می توان داستانی شگرف آفرید.(۲۱)

اگر چنین داستان های مینی مالیستی= ریزه گرایانه را، در کنار رمان های بزرگی چون«برباد رفته» یا«صد سال تنهایی» قرار بدهیم، بازهم بدین نتیجه خواهیم رسید که ذهن وروان وسلیقهٔ آدمی، دلبستهٔ پدیده های متضاد است نیز آدمی، پدیده های متضاد می آفریند.(۲۲)

رویکردها

۱۵- کاوه گوهرین، «آینهٔ زمان» بحثی در مینی مالیزم وتطبیق آن باحکایت در ادب فارسی»، فصلنامهٔ «بررسی کتاب»، زمستان ۱۳۷۶ کالیفورنیا.

۱۶- «۹۹» «Quid» و: دیده بود«Less is mire!» Edision Robert Laffon. Paris.

۱۷- همان جا.

۱۸- همان جا.

۱۹- کاوه گوهرین.

۲۰- کاوه گوهرین.

۲۱- کاوه گوهرین.

۲۲- «فرهنگنامهٔ ادبی فارسی، دانشنامهٔ ادب فارسی» در باب مینی مالیزم که آن را کمینه گرایی می گویند، می نویسد: «کمینه گرایی، جنبشی که در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ میلادی، در عرصهٔ هنرهای تجسمی(به ویژه نقاشی وپیکره سازی) وموسیقی در نیویارک پاگرفت وبارزترین مشخصهٔ آن، تأکید برسادگی بیش از حد شکل(صورت) اثر وتوجه به گرهٔ عینی وخشک(فاقد قوهٔ تخیل [illegible] هنرمندان گاهی کاملاً از روی تصادف پدید می آید وگاهی از اشکال هندسی ساده ومکرر بود. مینی مالیزم در ادبیات، شکل ها یا اصل ادبی نمایشی است که برپایهٔ فشردگی افراطی وایجاز بیش از [illegible]

ملاحظاتی بر مسودهٔ قانون...

لازم به تذکر است که شرایط کسب مقام قهرمانی ملی وچگونگی دست یافتن به آن در قانون اساسی باید پیش بینی گردد وامتیازاتی که دولت به نام قهرمان ملی می پردازد، نیز به صورت واضح وشفاف بیان شود.

درعین حال شرایط وزمینه ها برای دریافت لقب شایسته ترین ها ونخبگان عرصه های مختلف نیز باید درج مسودهٔ قانون اساسی باشد و برای کسانی که واجد این شرایط می شوند امتیازات پیش بینی شود تا حمایت مادی ومعنوی نخبگان را ضمانت نماید.

در مادهٔ یک صد و پنجا وششم عبارت مبهمی وجود دارد، به این شرح:

مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی دورهٔ انتقال شمرده می شود.

روشن نیست چه زمانی و در کدام تاریخ پس از تصویب قانون اساسی شورای ملی افتتاح می شود و معلوم نیست چه زمانی و تحت کدام شرایط رئیس دولت انتقالی باید جا عوض کند. هرچند در مادهٔ یک صد وپنجاه و نهم این قید وجود دارد که: رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانی که رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید. اما این زمان کدام زمان است، معلوم نیست.

چرا این مورد فوق العاده حساس با عبارتی واضح بیان نشود. انتخابات برای مقام ریاست جمهوری چه زمانی و در کدام تاریخ بعد از تصویب قانون اساسی صورت می گیرد؟

وهمچنان باید قید کرده شود، مدت بعد از نفاذ قانون اساسی کدام مدت است. باید این طور به گونهٔ مثال تأکیدی شود:

طی مدت سه ماه بعد از تصویب قانون اساسی، انتخابات برای پارلمان و طی سه ماه بعد از آغاز کار پارلمان منتخب انتخابات برای ریاست جمهوری صورت می گیرد.

این عبارت که مجموع جریان انتخابات حد اکثر طی شش ماه به اکمال می رسد، باید قید و تأکید گردد.

از متن فصل دوازده هم این تشویش مایه می گیرد که مقامات دولت انتقالی اسلامی سعی ورزیده اند تا به گونه یی آشکار مدت کار خود را تمدید نمایند آن هم با سؤ استفاده از

> در مادهٔ یک صد و پنجاه وششم عبارت مبهمی وجود دارد، به این شرح: مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی دورهٔ انتقال شمرده می شود

وضعیت موجود و آوردن افاده عبارات نا مشخص در فصل انتقالی مسودهٔ قانون اساسی:

دولت انتقالی فقط طی شش ماه آن هم بعد از تصویب قانون اساسی به «اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری» (؟!) «شورای ملی» (؟!) «وشوراهای محلی» (؟!) «می پردازد» ! آن ها که نمی دانند، نمی دانند، اما آن ها که می دانند می گویند، این است نمونهٔ واضح سر زیر کلوخ بردن. شش ماه مصرف می شود فقط برای صدور فرامین!!!

وبعد طی بند: ۵، آمده است: «اصدار فرامین در مورد تشکیلات»! (کدام تشکیلات؟) «وصلاحیت محاکم» (این هم شد اعمال نفوذ بر محاکم در حالی که صلاحیت محاکم توسط دادگاه عالی طی مدت کمتر از یک ماه، هم ممکن و هم قابل تحقق خواهد بود) «و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی» (کدام تشکیلات) «در خلال مدت کمتر از یک سال» (آغاز کار است که یک سال را در بر می گیرد، اما خود کار را خدا می داند: (به گمان غالب ممکن یک الی دو سال دیگر را در بر داشته باشد!)

در بند سوم احکام انتقالی، فقط درج است: «تشکیل کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات» (معلوم نیست طی چند ماه یا شاید یک سال).

در بند پنج شاهکار دیگری درج است: «اتخاذ تدابیر لازم» (معلوم نیست باز این تدابیر چه دسته گلی به آب خواهد داد) «جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی» (باز هم معلوم نیست این فعل و انفعال پیچیده و سردرگم و مبهم و مجهول باز چه مدت را در بر خواهد داشت).

در فقرهٔ دوم مادهٔ یک صدوپنجا ونهم آمده است: «رئیس دولت انتقالی اسلامی تا زمانی که رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید» (به این ترتیب با اندک ملاحظه وبا توجه به متن فوق در احکام انتقالی و یا دقت در جدول طویل وظایف دولت در دورهٔ انتقال اشکار می گردد که آن چه قانون اساسی هدف اساسی قرار داده است حد اقل تا چند سال آینده قابل تحقق نیست.

بنابران پیشنهاد می گردد: اعضای محترم شورای عالی (لویه جرگه)که غرض اصلاح و تعدیل و تصویب مسودهٔ قانون اساسی دعوت می شوند، قبل از هر موردی احکام انتقالی در فصل دوازدهم را مورد توجه و دقت قرار دهند و به صورت واضح وشفاف مدت کار دولت انتقالی را به حد اقل زمان ممکن (شش ماه) مطابق سازش نامهٔ بن محدود کنند. علاوه بران در این فصل عبارت واضح باین افاده آورده شود که در صورت کاندیدا بودن رئیس فعلی دولت انتقالی به ریاست جمهوری در دور بعد، ایشان بلافاصله بعد از تصویب قانون اساسی، مستعفی گردند و وظایف خود را به یکی از معاونانشان که کاندیدا برای مقام ریاست جمهوری نباشد، تفویض نماید.

در غیر این صورت اعمال نفوذ توسط رئیس دولت و اطرافیان ایشان روند شکل گیری قانون اساسی و تدویر شورای نمایندگان ملت را به بیراهه خواهد کشید و در نهایت اسباب به میان آمدن یک نظام دیکتاتور و خود کامه در کشور فراهم خواهد شد و در یک چنین وضعیتی اسف انگیز پدیده هایی مانند قانون اساسی، انتخابات، شورای ملی وغیر آن به شعارها و افاده هایی میان خالی و فاقد ضمانت اجرایی مبدل خواهد شد و دموکراسی چیزی جز دروغ و وسیله یی جز فریب مردم به دست نخواهد داد.

تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران

محمد ظاهر شاه در تبعید ۶





ترتیب و توضیح از وحید مژده

آرزوی شاه ایران برای نجات سردار عبدالولی

تقاضای شاه سابق برای حصول اطلاع از حال جنرال سردار عبدالولی و علاقه مندی شخص شاه ایران به او و نیزنظر به تقاضای پادشاه سابق افغانستان در مورد این که سفارت ایران در کابل در بارهٔ وضع جنرال عبدالولی اطلاعاتی بدست آورد،موجب گردید که شاه از طریق علم به سفیر ایران در کابل دستور بدهد تا با احتیاط در مورد سرنوشت و وضع سردار معلوماتی بدست آورد. جهانگیر تفضلی سفیر ایران در کابل گزارش ذیل را عنوانی اسدالله علم فرستاد

سرور ارجمندم امیر بزرگوار!

همه آثار و میتوب پیوست را که مامور رمز قابل اعتمادم ماشین کرده معدوم کردم. خود بنده کمتر و سرهنگ آصف بیشتر با جنرال فاروق آشنایی داریم اما او را نمی شود دید. سرهنگ آصف دیشب نزدیک ترین خویشان و محرم ژنرال فاروق را ملاقات کرده است. قرار شده است اطلاعاتی دقیق تر کسب کند که به عرض جنابعالی برسانم.

به نظر سرهنگ آصف که تنها کسی از اعضای این نمایندگی است که صددرصد مورد اعتماد بنده است و افسر برجسته ای هم هست، پس از بررسی این که: ژنرال فاروق تا چه اندازه به سردار عبدالولی ممکن است مؤثر باشد؟ چون افسر فقیر و بی چیز و عیالواری است ممکن است کمک پولی کرد که باید بوسیلهٔ خود سرهنگ و ادارهٔ دوم ستاد اجرا شود زیرا سرهنگ نامبرده بسیار افسر دقیق و از همه جهت قابل اعتماد است. با شخصی که دیشب آصف ملاقات کرده گفته است که مصلحت نیست کمترین تظاهری از طرف ایران در شرایط کنونی به سود سردار عبدالولی بشود که برای وی خطرناک خواهد بود و نظر خود سرهنگ آصف هم همین است.

خود بنده خیلی غیر مستقیم با آشنایی کم و بیش که به افغانها دارم کمکهایی تا آنجا که توانسته ام در کار سردار عبدالولی کرده ام و خواهم کرد.

آنچه که راجع به بنده و خدمتگزاریم مرقوم فرمودید دیر یا زود مشاهده خواهید فرمود که تا پای جان و از دل و جان تا آخرین نفس ناسیونالیستی در راه خدمت به ارباب همایونی و وطن ما ایران که هردو برای ما یکی است ایستاده ام. جاوید شاه پاینده ایران.

تصدق شما با عرض ارادت

۵۳/۱/۲۱

جهانگیر تفضلی

در این گزارش در مورد (ژنرال فاروق) مطالبی آمده است که نیاز به توضیح مختصر دارد.

دگرجنرال غلام فاروق که در هنگام سقوط رژیم سلطنتی لوی درستیز قوای مسلح افغانستان بود، تحصیلات حربی خود را در ترکیه به پایان رسانیده و از افسران قدیمی اردوی افغانستان بود. او از معدود افسرانی بود که در عین حالی که مورد اعتماد شاه بود، با داودخان نیز روابط حسنه داشت. دلیل این امر را باید در شخصیت او جستجو کرد که هیچگاه سعی نکرد در کشمکش های داخل دربار جهت گیری نماید.

داود خان پس از کودتا او را به سمت رییس دیوان حرب مقرر کرد و محاکمهٔ سردار عبدالولی را نیز به او سپرد. هرچند در گزارش از وضع اقتصادی خراب او سخن به میان آمده است ولی او زندگی متوسطی داشت و شخص بی چیز و تنگدستی نبود. :

گزارش سفیر ایران در کابل در مورد وضع جنرال سردار عبدالولی در زندان:

سفارت شاهنشاهی ایران

کابل

محرمانه

بکلی سری است

سرور ارجمند جناب آقای اسد الله علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی

امر مطاع مبارک ملوکانه را که در نامهٔ سری ۵۲/۱/۱۵ مرقوم فرموده بودید با پست پریروز دوشنبه رسید.

۱- اطلاعاتی که خود بنده در بارهٔ سردار عبدالولی دارم و از نزدیکترین کسان وی شنیده ام:

الف: در هفته های اول سردار عبدالولی در زندان عمومی بود. در ماه دوم وی را به قصر باغچه بردند و در یکی از اطاقهای طبقهٔ پائین این قصر سلطنتی بازداشت بود. پس از مدتی تمام قصر به این صورت در اختیار وی قرار گرفته است که در باغ قدم می زند اما ملاقات با وی ممنوع است.

ب: سردار داود خان همه روز از سلامتی و وضع خوراک وی جویا می شود. همسران داود خان و نعیم خان که هردو خواهران محمد ظاهر شاه و عمه های والاحضرت بلقیس اند در ملایم کردن داود خان مؤثر اند و بسیار هم به نفع سردار عبدالولی - تا آنجا که می توانند-کوشش می کنند.

پ: دختر سردار عبدالولی بنام حمیرا زن طارق پسر ژنرال عارف است. این دو نامزد بودند. عروسی آنان در هفتهٔ اول بعد از کودتا انجام شد که هنوز خانوادهٔ محمد ظاهر شاه و والاحضرت بلقیس را به اروپا نفرستاده بودند. طارق داماد سردار عبدالولی هم با فرزندان و نواده های محمد ظاهرشاه به اروپا فرستاده شد. تبعید آنان در فرودگاه توسیلهٔ ماموران تازه کودتا با خشونت بود. تقریبا ده روز پیش طارق داماد سردار عبدالولی به کابل آمده بود و دو روز پیش به اروپا بازگشت

۲- برای کسب اطلاع بیشتر دیشب یک ملاقات خیلی سری با گیلانی (حضرت نقیب که رئیس سلسله قادریه و چشتیه است و در هند و جلال آباد پیروان زیادی دارد و از خانوادهٔ معروف گیلانی عراق است) کردم. گیلانی و خانمش از معاشران دایمی محمد ظاهر شاه و سردار عبدالولی و بلقیس بودند. چون مرد متمول و متنفذی است و حامی اصلی شفیق صدراعظم سابق هم بود سخت تحت مراقبت رژیم داود خان است. مطالب قابل عرضی از وی شنیدم:

الف: طارق داماد عبدالولی از طرف ظاهر شاه به کابل امده بود که از وضع سردار عبدالولی اطلاع حاصل کند با داود خان هم ملاقات کرد اما عبدالولی را نتوانسته است ببیند.

ب: محمد ظاهر شاه از وضع سردار عبدالولی نگران است و یک نوع احساس شدید ناراحتی روحی نسبت به داماد خود دارد زیرا سردار سه بار به پادشاه پیشنهاد کرد که داود خان را بازداشت (کند) و هربار به پادشاه می گفت که (داود خان تخت و تاج شما را به باد خواهد داد. شما بمنزل داود خان به احوال پرسی او می روید و او یکبار به دیدن شما نیامد...)

هربار پادشاه به سردار عبدالولی میگفت: تو با داود خان دشمنی، او هرگز برخلاف سلطنت عمل نخواهد کرد و آخرین بار که دو ماه قبل از کودتا بود و سردار عبدالولی اصراری داشت که باید داود خان بازداشت شود. پادشاه عصبانی شد و گفت: دوباره اگر از داود خان حرف بزنی دیگر روی ترا نخواهم دید. حالا که پادشاه اغلب بیاد این سوابق می افتد خود را مسئول گرفتاری سردار عبدالولی می داند و چون پادشاه از همه فرزندان خود بیشتر به بلقیس علاقه مند است و هر روز شاهد نگرانی های اوست این احساس ناراحتی پادشاه شدید تر شده است.

پ: خانهٔ سردار عبدالولی را که قسمتی از آن با ده گلولهٔ تانک خراب شده بود تعمیر کرده اند که مارشال شاه ولیخان از بیمارستان به خانه می اید شاهد خرابی خانهٔ پسرش نباشد. (در ان موقع مارشال در کابل بود و هنوز به ایتالیا فرستاده نشده بود)

توجه مخصوص داود خان را به سلامتی سردار عبدالولی ووضع خوراک او باز هم گیلانی تائید می کرد.

از نظر علاقهٔ دوستانه و بسیار عمیقی که در میان سردار عبدالولی و بنده بود و بخصوص از عنایت مخصوصی که ارباب همایونی به والاحضرت فرشته مانند، بلقیس دارند بنده هر بار که با گیلانی ملاقات سری داشته ام از وی پرسیده ام که چه کمکی می توان برای رهایی و حتی فرار سردار کرد و او هربار و دست نیز می گفت: هرگونه جانبداری از طرف ایران از عبدالولی بشود در شرایط کنونی به زیان اوست. گیلانی اظهار اطلاع می کرد **که داود خان نخواهد گذاشت که عبدالولی از کابل خارج شود زیرا می ترسد به کمک ایران برای او زحمت بزرگی درست کند.** اما بسیار احتمال دارد که روز بروز بستر مراعات او را بکند و شاید تا تیر ماه که سالگرد جمهوری است او را آزاد کند که در منزل خودش تحت نظر باشد.

۳- از سرهنگ آصف رئیس وابستگی نیروهای شاهنشاهی در کابل خواستم که اطلاعاتی در بارهٔ وضع سردار ولی بدست آورد. سرهنگ نامبرده که افسر باهوش وباسوادی است و افغانستان و بخصوص افسران رژیم سابق و کنونی را خوب می شناسد از نزدیک ترین خویشان و محارم ژنرال فاروق ملاقات کرده است.

ژنرال فاروق در رژیم سابق رئیس ستاد ارتش افغانستان بود و با این که در کودتا شرکت نداشت و کودتا چیان او را در خانه اش بازداشت کردند، نه تنها داود خان او را فورا مرخص کرد بلکه چون در میان ژنرال های قدیمی افغان در ردهٔ خودش از همه باسواد تر است و مانند خود داود خان تحصیلات فرماندهی خود را در زیر دست افسران ترکیهٔ و کمالیست دیده است مورد علاقه و اعتماد مخصوص داود خان است به همین جهت برای ریاست دادگاه نظامی انتخاب شد. در اول کار ریاست دادگاه نظامی را نمی پذیرفت و اکنون رئیس دادگاه سردار عبدالولی هم هست. دوسه نفر دیگر از فرماندهان سابق را که با میوندوال بازداشت شده بودند وافسران چپ کودتاچی با اصرار فشار وارد می کردند که اعدام شوند ژنرال فارق توانست به داود خان بقبولاند که آنان گناهی ندارند و فشار افسران کمیتهٔ جمهوری از روی غرض است و آنان را نه تنها اعدام نکردند بلکه آزاد و بازنشسته شدند.

با عرض ارادت

امضاء

جهانگیر تفضلی

خرید خانه در روم برای پادشاه مخلوع افغانستان:

سفارت شاهنشاهی ایران

رم

بیست و سوم فروردین ماه

۱۳۵۳

سرور معظم قربان حضرتعالی گردم

پس از تقدیم عرض احترام مراتب زیر را به طور مختصر به استحضار می رساند:

مطالبی که طی نامهٔ اخیر مرقوم فرموده بودید به استحضار شان رساندم. عنایت مخصوص همایونی در مورد تهیه منزل مژده سلامت سردار عبدالولی اشتغال والاحضرت شاه محمود در ایران از مراحم اعلیحضرت همایون شاهنشاه مدت نیم ساعت با قیافه یی بسیار حق شناس سپاسگزاری نمودند و والاحضرت بلقیس هم از خوشحالی گریه کرد و خواست که مراتب تشکر و حق شناسی خود و دخترانش را به پیشگاه ملوکانه تقدیم دارم. والاحضرت بلقیس و شخص اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از ویلایی که پیدا شده بازدید نموده اند. ویلایی است با ۵ اطاق خواب ۶ سالن و ناهار خوری سه طبقه که بیش از ۴۰۰ متر زیربنا دارد. آقای خسروی با توجه به محرمانه بودن امر و اینکه واقعا مرد مطمئن و قابل اعتماد است مامور انجام وتعقیب کار شده است نقشه و مشخصات ساختمان را خواسته ام. قیمت آن در حدود یک میلیون تومان می شود که می گویند کاربون است و سانس آنها بوده که درست مطابق احتیاجات و سلیقه شان می باشد البته یکی دو نوع مالیات و تاکس و ۵ درصد حق آژانس نیز به آن تعلق می گیرد که قرار است با وکیل مذاکره و صورت نماید. البته مبلمان هم لازم دارد.

به دلایلی که مجددا به تفصیل می گفتند از عدم توجه کشور های مسلمان بخصوص ملک فیصل بسیار نگران اند و تقاضا داشتند درصورتیکه اراده مبارک ملوکانه تعلق گیرد اقدامی شود که دربار مغرب با ایشان در رم تماس بگیرد. جزئیات امر و نظریات شان را در هر موقع که سعادت شرفیابی دست داد به عرض می رسانم و نامه ام را به درازا نمی کشم.

از ایران هرچه سوال کرده هنوز دستوری برای استخدام شاه محمود نرسیده تحصیلات عالیه کمبریج دارد.

والاحضرت بلقیس تقاضای مقداری برنج و پسته ایرانی دارد چنانچه ممکن باشد امر بفرمایند کارپرداز دربار به اسم سفارت ارسال دارند.

مشروب وسیگار وغیره بوسیلهٔ خسروی فرستادم اعلیحضرت محمد ظاهرشاه شخصا تلفن فرموده از عنایات...

... وقتی نقشه رسید و مهندس سفارت از ساختمان بازدید کرد و وکیل مربوطه مطالعاتش را انجام داد در ثانی مراتب را به استحضار می رسانم.

در مورد شغل والاحضرت شاه محمود که اوامر مطاع ملوکانه شرف [illegible] یافت استدعا می کنم به تیمسار [illegible] خادمی ابلاغ فرمایند البته اگر در [illegible] آقای صادق در FAO مشغول شود چون فوق لیسانس در اقتصاد دارد بیشتر خوشنود می شوند.

البته خود والاحضرت شاه محمود که از جریان امر اطلاع پیدا کرد دیروز بین راه همین اظهار را به خسروی می نمود شاید در ایران نتوانم زیاد مفید باشم و حال ان که آرزوی من رویت شاهنشاه است که در سخت ترین روزگارها جان مارا نجات دادند.

احکام ومسائلی از عیدهای فطر وقربان

تتبع ونگارش: سید ناصر تقدسی

نماز عید سعید فطر و عید قربان که با شکوهی خاص بر پا می گردد واز فلسفه یی بلند بر خوردار است، یکی از واجبات شرعی محسوب بوده و حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم خود همواره این دو نماز با برکت را ادا کرده ومسلمانان را نیز به ادای آن دو هدایت و امر فرموده است تا آن ها با حضور در عیدگاه ها از نعمت بزرگ الهی ابراز قدر دانی نموده واز احوال یک دیگر آگاهی حاصل نمایند و همچنان وقایع ورویدادهای مهم دنیای اسلام را طی خطبه های عید به بحث و بررسی بنشینند.

خواندن عید قربان وتاخیر در نماز عید فطر از نظر فقها مستحب تلقی شده است. گفتنی است که نماز های عیدین بدون اذان و اقامت برپا می گردند.

تکبیر در نماز عید

نماز عید که دو رکعت است؛ به مذهب احناف در رکعت اول پس از تکبیر تحریمه و پیش از قرائت سورهٔ فاتحه سه تکبیر، و در رکعت دوم بعد از قرائت سوره سه تکبیر گفته می شود.

و در هر تکبیر دست ها تا برابر نرمی های گوش ها بلند می گردند.

خطبهٔ نماز عید

به منظور تبیین احکام صدقهٔ فطر و یا احکام قربانی و باز گو کردن مشکلات ومسائل مهم مسلمانان، ایراد خطبه بعد از نماز عید واجب است و بر نماز گذاران هم، لازم است تا همه جزئیات و جریانات خطبه را به گوش وجان بشنوند. چنانچه از ابو سعید خدری روایت است که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم در روزهای عید فطر وعید قربان وقتی که به عیدگاه می رفتند، در قدم نخست نماز را بر پا می داشتند و سپس در برابر صفوف مردم استاده می شدند و به موعظه می پرداختند.

غسل و استعمال خوشبویی

در عید سعید رمضان وعید سعید قربان غسل کردن، استعمال خوشبویی و پوشیدن بهترین و پاک ترین لباس ها، امری مستحب و ستوده شده است. پیامبر ومسلمانان نخستین، در هر دو عید چنین کارهایی را انجام می داده اند: چنان که جعفر پسر محمد روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه وسلم در هر عید چادر یمنی بر تن می کرد.

و به همین ترتیب حسن سبط بر گفته است که: رسول خدا ما را امر می کرد تا بهترین لباسی را که در اختیار داریم در عید بپوشیم و بهترین خوشبویی را استعمال کنیم و گران بها ترین قربانی راکه به دست می آوریم ذبح نماییم.

افطار پیش از نماز عید

در عید فطر پیش از رفتن به نماز خوردن چند دانه خرما و یا چیزی دیگر سنت است و اما در عید سعید قربان سنت است که شخص مسلمان تا بعد از ادای نماز عید چیزی نخورد و پس از آن که از مراسم نماز عید فارغ گردید روزه اش راافطار کند و اگر قربانی داشته باشد، بهتر است که افطاری خود را از گوشت همان قربانی تهیه ببیند.

از حضرت بریده رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم تا وقتی که نمی خوردند به نماز عید فطر نمی رفتند، و در عید قربان پس از ادای نماز عید افطار می فرمودند.

سرگرمی ها و سرود خوانی درروزهای عید

بازی های مباح وغیر شهوت برانگیز وسرگرمی های بی پیرایه و بر روی هم سرایش اشعار پاکیزه و دور از خواهشات شیطانی در دین اسلام مشروع بوده و در روزهای عید اگر مسلمانان به منظور تفریح وخوشی خود به چنین کارهایی دست می یازند، از دیدگاه شریعت اسلامی هیچ گونه موانعی وجود ندارد. طوری که حضرت انس می گوید: هنگامی که پیامبر به مدینه تشریف آورد، مردمان مدینه، در دو روز به بازی می پرداختند. و آن حضرت فرمود: خدای عزوجل این دو روز را به بهتر از آن، (عید فطر وعید اضحی) تبدیل کرد.

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: در روز عید حبشی ها پیش پیامبر خدا به بازی می پرداختند و من از فراز شانهٔ ایشان صلی الله علیه وسلم به آن ها می نگریستم وایشان هردو شانهٔ خود را پایین نمودند تا آن که من از فراز شانه شان آنان را تا سرحد سیری تماشا کردم و چنان که خود از تماشای آنان منصرف گردیدم.

مانند این روایت چندین روایی دیگر است که حکایت از پرداختن مسلمانان به بازی ها وسرگرمی های مشروع درایام عید، دارد که یاد آوری همهٔ آن ها سخن را به درازا می برد و صرف به این گفتهٔ حافظ در کتاب فتح بسنده می شود که می گوید: ابن سراج از ابو زناد و او از عایشه رضی الله عنه روایت نموده است که آن حضرت صلی الله علیه وسلم در آن روز عید- فرمود: یهود مدینه باید بدانند که در دین ما فراخی وجود دارد. یقیناً من به دینی حق مبعوث شده ام؛ دینی که در آن وسعت و نرمش از جایگاهی ویژه برخوردار است.

شرکت زنان و کودکان در نماز عید

زنان و کودکان مسلمان بدون کدام تبعیض می توانند با رعایت آداب و احکام نماز عید و حفظ حجاب اسلامی به سوی عید گاه ها بیرون شوند و در مراسم نماز عید شرکت نمایند چنان که ام عطیه می فرماید: فرمان داده شدیم که دختران جوان و زنان را - ولو حائض هم باشند- در روزهای عید بیرون ببریم تا شاهد خیر و دعای مسلمانان باشند. به شرطی که زنان حائض از محل برگزاری نماز، اندکی دور تر احراز موقعیت نمایند.

وقت نماز عید

وقت نماز عید را بنا بر احادیثی که از پیامبر خدا روایت شده است فقهای مسلمان بعد از بر امدن آفتاب تا هنگام زوال آن تعیین فرموده اند. همچنان بود

گروهی از فرهنگیان به بحث پیرامون ...

آقای سارنوال عبدالسمیع قرلق، آقای عبدالشکور واقف حکیمی، آقای جنرال جاوید کوهستانی، آقای کوه کن و شماری دیگر از اهل فکر و اندیشه حاضر بودند.

محفل توسط نصیر عبدالرحمن رئیس بنگاه انتشارات میوند افتتاح گردید. وی در صحبت خود گفت که باید از فرصت کنونی برای بحث و ارایهٔ پیشنهاد های کارساز در مورد مسودهٔ قانون اساسی استفادهٔ موثر صورت گیرد. او افزود که بنگاه میوند در نظر دارد آراء و نظریات مطرح شده در پیرامون مسودهٔ قانون اساسی در این نشست را به گونه یک مجموعه به نشر برساند تا مورد استفاده قرار گیرد. سپس وی عنان سخن را به حاضران واگذارد. آقای اسد الله ولوالجی به عنوان دومین سخنران به بیان دیدگاه هایی در بارهٔ موضوعات قانون اساسی پرداخت و مهم ترین مباحث مطرح در این باره را بر شمرد که جایگاه سریعت نوع نظام سیاسی، ریاستی یا پارلمانی و خصوصی سازی تحصیلات عالی، صلاحیت های رئیس جمهور سرود ملی وهویت افغانی از آن موضوعات می باشد. وی با بر شمردن انواع نظام های دموکراسی نوع پارلمانی آن را برای کشور مناسب دانست ونقش رئیس جمهور را بسیار بزرگ ونقش پارلمان را اندک خواند و به شیوه های مهار کردن قدرت در نظام های دموکراسی اشارت کرد که در این مسوده به آن ها توجه نشده است.

سپس استاد مسعود استاد فاکولتهٔ اقتصاد و عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر در صحبت خود گفت که جایگاه یک نظام اقتصادی منظم ومعین در مسودهٔ قانون اساسی ما خالی است و تنها به کلمهٔ اقتصاد بازار) نمی توان نوعیت مشخص نظام اقتصادی را طرح نمود چون هیچ وقتی نبوده است که ما فاقد اقتصاد بازار بوده باشیم. حتی در زمان حکومت دکتر نجیب هم ما بازار اقتصاد داشتیم وحتی شعار آن زمان این بود که باید بازار را حفظ کنیم ولو به هر قیمتی که باشد.

او ضمن یاد آوری از انواع مختلف نظام های اقتصادی گفت که سپردن صلاحیت نشر پول به بانک مرکزی اشتباه بوده و باید بانک مرکزی به حیث منبع پیشنهاد کننده مطرح شود و تصمیم نهایی در زمینه از صلاحیت پارلمان باشد. استاد مسعود حتا از نشر پول جدید انتقاد نمود و گفت که این اقدام ۵۰ در صد سرمایهٔ مردم افغانستان را کاهش داد. او گفت جنسی که پیش از نشر پول به ۵۰۰ افغانی عرضه می شد حالا به ۱۰۰۰ افغانی (یک افغانی جدید) عرضه می شود که خود یک تفاوت عمده است و ممکن است نظامی در آینده به وجود بیاید که این مساله رامورد باز پرس قرار دهد.

عبدالشکور واقف حکیمی یکی دیگر از اشتراک کنندگان در این نشست طی صحبتی ضمن اشارت به گفته های آقایان ولوالجی و استاد مسعود گفت که مردم افغانستان به صورت کل خواهان نظامی اند که مبنی بر دموکراسی باشد، اما نوع نظام ریاستی با صلاحیت های بی حد و حصر رئیس جمهور که در مسوده در نظر گرفته شده است، راه رسیدن به استبداد را هموار می سازد تا به دموکراسی را.

او افزود که من با وجود آن که نظام پارلمانی صدارتی را به حال افغانستان با در نظرداشت ویژگی های قومی و جغرافیایی و مذهبی و گروهی وبحران چندین دهه اخیر و پیشینه تاریخ استبدادی اش مناسب می دانم، ولی به هر حال مهم این است که نظام آینده باید راه را به روی استبداد ببندد و دموکراسی را تضمین کند چون همگان متفق هستند که راه توسعه و رفاه در زدودن استبداد و آوردن دموکراسی نهفته است.

او گفت: صلاحیت های طویل وعریض رئیس جمهور در این مسوده مانند تعیین رئیس واعضای دیوان عالی قضا و تعیین خطوط اساسی سیاست دولت ونظارت بر تطبیق قانون اساسی و... نشانه هایی است که نظام را به سوی استبداد می برد وگفت: این صلاحیت ها باید به پارلمان داده شود.

سارنوال عبدالسمیع قرلق ضمن تبصره بر برخی از مسائل قانون اساسی درباره» نظام قضایی و نهاد سارنوالی گفت: در همه کشور های جهان وظیفه» نظارت بر تطبیق قوانین را نهادی به نام سارنوالی به عهده دارد در افغانستان هم این مهم به سارنوالی داده شود.

و باید رئیس سارنوالی و ستره محکمه توسط سارنوالان و قضات انتخاب شوند چون آنان می دانند که چه کسی را به این کار [illegible]

در پایان [illegible] همچنین مجالس را [illegible] و بر محفل صرف طعام افطار اشتراک نمودند که از جانب بنگاه انتشارات میوند ترتیب یافته بود. بنگاه انتشارات میوند به اثر پیشنهاد دکتر علی [illegible] و استاد مسعود تصمیم گرفته است [illegible] روی مسودهٔ قانون اساسی [illegible] بعد از عید سعید فطر [illegible] و در این [illegible] به ساعت یک بعد از ظهر یازدهم قوس سال [illegible]

مهاتیر محمد پس از بیست ودو سال زمامداری ...

نازل شدهٔ قرآن مجید که در آن توصیه به تعلیم شده است، متوجه مسؤولیت های شان گردانید تا در راه تحصیل علم و تعقل بکوشند. مهاتیر محمد از تلاش های مسلمانان صدر اسلام یاد آور شد و گفت آن ها در کنار تعلیم و تمسک به دین به خاطر دست یابی به سایر علوم، آنچه از منابع علمی یونانیان ودیگر منابع موجود بود همه را به عربی ترجمه نمودند، که در نتیجه ما، ده ها ریاضی دان، ساینس دان، طبیب و... مسلمان را که از دین نیز آگاهی کامل داشتند می شناسیم. و آنان در شگوفایی مدنیت جهانی نقش مهمی را ایفا نمودند.

آن ها مانند ما زندگی مظلومانه نیز نداشتند، از همین رو مدنیت درخشانی را در تاریخ بشریت بنا نهادند. با تاسف که مسلمانان امروز با وجود داشتن منابع سرشار و زمینه های خوب برای کار، هیچ گامی موثر در جای پای آن ها برداشته اند.

مهاتیر محمد عوامل واسباب زوال مسلمانان را بر شمرد و سران کشور های اسلامی را متوجه نیازها و خواست های زمان نمود و گفت که اسلام تنها پیامی برای مردمان قرن ۷ میلادی نبود؛ بلکه پیام نجات بخش و جاوید آن این است که می تواند انسان عصر ما و انسان فردا را نیز رهنمایی و رهبری نماید.

از دیدگاه مهاتیر محمد شرایط زندگی و خواسته های عصر ما همان شرایط زندگی و خواسته هایی نیست که در قرن اول هجری انسان با آن روبرو بود. وی مسلمانان را از اقدامات احساساتی بر حذر داشت وآن ها را به تعقل و برنامه ریزی دعوت نمود. از دیدگاه مهاتیر محمد با احساسات به مقابلهٔ دسایس دشمن برداختن کار مسلمان عاقل نیست، طوری کند تا حرکت ناسنجیده فردی همه مسلمانان رنج بکشند و اذیت شوند.

او از مسلمانان خواست تا مسائل ومشکلات خود را از راه های معقول و با طرح برنامه های درست حل و فصل نمایند و بر اتحاد و برادری مسلمانان تاکید ورزید و یاد آور شد اگر این کار را نکنند روزهایی بدتر را به استقبال خود خواهند رفت.

مهاتیر محمد سران کشور های اسلامی را که ۵۰ کشور از جمع ۱۸۰ کشور جهان را تشکیل داده اند به اتحاد و همدلی در همه عرصه ها فراخواند و به آن ها گوشزد نمود که در صورت داشتن اتحاد می توانند نقش مهمی در سیاست گذاری ها و اقتصاد جهانی ایفا نمایند.

حال بر مسلمانان است که تا حد می توانند از سخنان این رهبر محبوب وکار آزمودهٔ مسلمانان مالیزیا واز تجارب به موردش سود برند.

خلک دجګړي پرځای په قانون ...

او نیوکه کوي چي دیارغونی دګر دیري پیښي بیخایه لګیدلي جي دانول بحیل دات کي له جنګ نه دمولي خوانه دتلو معنی ورکوي دوه ورځی دکابل په پوهنتون کي له خو تنو استادانو سره دسته ده او بیا بحث شروع شو چي په سوي اساسي قانون کي جمهور رئیس ته [illegible] ورکول شوي داجبري [illegible] رسیدلي چي [illegible] شو چي بیخایه [illegible]

[illegible] فرانین کسته او پورته شوي او له [illegible] په افغانستان کي [illegible] اساسي قوانین جوړ شوي ولي [illegible] له مسحه تللي

که سه خبر شو [illegible] [illegible] خوانه [illegible] افغانستان [illegible] لانړي [illegible] ۲۳ کاله [illegible] قانوني [illegible] کملا [illegible] قانون

لاندي احساسوي او دخان او نورو لپاره دندي مشخص کوي ولي نه پوهیږم چي پوښتنه پوهنتون [illegible] فکر کوي [illegible] هم [illegible] چي [illegible] قانون عملي [illegible] کړی [illegible] متوجه [illegible] [illegible] ته [illegible] جګړي [illegible] فکر [illegible] قانون [illegible] فکر [illegible] کړي

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره پنجم دوشنبه ۳ قوس ۱۳۸۲ ۲۹ رمضان المبارک ۱٤۲٤ - 24 November 2003

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست.

مالیزی

ترجمه ازروزنامه مشرق چاپ پاکستان

مهاتیر محمد پس از بیست ودو سال زمامداری کنار رفت

مترجم: نصیر عبدالرحمن



حدود یک ماه پیش از امروز مردی که ۲۲ سال پیهم زمام حکومت مالیزیا را در دست داشت با نامی نیک از سمت صدارت آن کشور کنار رفت.

او ثابت ساخت که با وجود شناخت دقیق از تمدن و مظاهر آن، خود را نیز می شناسد و هویت خود رادر تقابل مدنیت ها می توان حفظ کند مهاتیر محمد توانایی های خود را در به کار گیری سالم مدنیت به اثبات رساند. او توانست با برنامه های معقول ۲۲ ساله اش مالیزیای عقب مانده و دور از پیشرفت امروزی را در قطار کشور های سرمایه دار، متمدن و صنعتی جهان جا دهد.

مهاتیر محمد با داشتن استعدادی بلند و ضمیری روشن در خم و پیچ بهره گیری از تمدن کاری نکرد که در تقابل با اعتقادات اسلامی مردمش واقع گردد و با جریحه دار شدن احساسات آنان زمینه های تشنج درکشورش ایجاد شود، به همین سان اقلیت های نا مسلمان چینی ومالایی نیز به آرامی در سایهٔ حکومتش به سر بردند.

مدنیت و صنعت در مالیزی که اکنون ریاست کنفرانس سران کشور های اسلامی را نیز به عهده دارد از سایر کشورهای بزرگ اسلامی مانند عربستان سعودی، پاکستان و کشورهای خلیج به طور کلی فرق دارد زیرا این کشور در پی برنامه ریزی های دقیق و مستقلانهٔ مهاتیر محمد وهمکارانش به مرحلهٔخود کفایی رسیده و نمادی از یک مدنیت جدید اسلامی را ارایه می دهد، اما سایر کشورهای اسلامی با وجود داشتن بزرگترین منابع نفتی جهان در بسا از عرصه ها مجبورند دست احتیاج به سوی غرب و امریکا دراز نمایند.

با آن که در کشورهای اسلامی، یاد شایسته و بایسته یی از بازنشستگی این مرد فرزانه به عمل نیامد اما آخرین بیانیه اش در کنفرانس سران کشور های اسلامی دنیا را تکان داد، که در پی آن لبهٔ تیغ تبلیغات یهودی ها و همکاران شان در آمریکا به سوی این مرد به حرکت در آمد.

وی طی خطابه اش در همایش سران کشور های اسلامی مسلمانان را که با داشتن جمعیت ۱.۳ میلیارد نفر و برخورداری از منابع سرشار طبیعی وموقعیت های استراتژیک نتوانسته اند نقشی در حد یک اقلیت یهود در سیاست ها واقتصاد جهانی ایفا نمایند، متوجه حال شان گردانید.

موصوف مسلمانان جهان را از غفلت و بی توجهی شان به تعلیم و درک مفاهیم قرآن هشدار داده و همه را نظر به حکم اولین آئه ص۷

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت...

ملت مسلمان افغانستان امسال از عید سعید فطر در شرایطی تجلیل می کنند که آزمون بزرگ دیگری در برابر آنان قرار دارد: آزمون شرکت در انتخابات لویه جرگهٔ تصویب مسودهٔ قانون اساسی.

اینک که مسودهٔ قانون اساسی جدید بعد از مدت ها انتظار در اختیار مردم ما قرار گرفته و ملت مسلمان افغانستان بعد از در هم کوبی تجاوز اتحاد شوروی سابق و تروریزم، دارد خطوط زندگی آینده خویش را بدور از تجربه های نظام های خود کامه فردی و خاندانی و قبیله یی و... ترسیم نماید. همه ما مسؤولیت داریم تا با روح پاسداری از هویت دینی وملی و قطع ریشه های نظام های خود کامه ومستبد که ملت ما در درازای تاریخ خود بار آن راکشیده است و با عزم دفاع از آزادی و آبادی کشور ورهایی از ترفند های جدید به بردگی کشانیدن ملت ها و تاکید بر نقش سهمگیری ملت در تعیین سرنوشت خود انتخابات تصویب مسوده قانون اساسی شرکت ورزیم و نگذاریم باردیگر ملت ما در تحت شعارهای جدید ظاهراً مردم سالاری و دموکراسی دیکتاتوری دیگری را به تجربه گیرد.

در اخیر یک بار دیگر حلول این عید سعید را به همه احاد ملت مجاهد و فداکار خویش تبریک گفته و از خداوند منان به دست دعا [illegible] بر می بریم که ملت ما را در آزمون کنونی چنان موفق دراد که از شکنجه های دیو استبداد رهایی یابند و در سایه نظامی زندگی نمایند که نه در آن حرفی از برتری های قومی وزبانی و قبیله یی باشد و نه هم بازی با هویت دین و ملی ما.

ومن الله التوفیق

دکوچنی اختر په . . .

مونږ ټول باید [illegible] ملي روحیې په رڼا کې [illegible] یو بل وغمو. اوسني [illegible] ګرانې مرحلې ته د پای ټکی کیدو. د تاریخ له لوستونو هدف دا دي، چې انسان له تیر نه داسې عبرت واخلي، چې نن او راتلونکي یې د ملي اهدافو له مخې جوړه کړي.

[illegible] یوازې د طالبانو پر ټکولو او غندنې څه نه کیږي هر هغه اعمال او اقوال چې د طالبانو په څیر فاشیزم راتوکولو ته لمن وهي مخه یې ونیسو.

داساسي قانون په هکله په مطبوعاتو، راډیو ګانو، شخصي محافلو او دیني مراسمو کې خبرې روانې دي چې فی نفسه دا عمل زمونږ د ملک د سیاسي شعور پر لوړاوي دلالت کوي. نو ښه ده. چې د اجرایان په مثبته توګه یې ترتیخ لاړشي او د اساسي قانون د تدقیق له کمسیون څخه هیله لرو چې دا ټول نظریات په منظمه توګه راټول او د مسودې نیمګرتیا پرې اصلاح کړي.

دغه لږ له دولت او بهرنیو دوستانو غواړو چې د سالمې فضا په موجودیت کې له لاسوهنو پرته د لوی جرګې د بهیر ملاتړ وکړي او هم له ټولو هیوادوالو غواړو چې په دې حساسه موقع کې خپل تاریخي او ملي مسوولیت ته خیر شي او نن که یوه شیبه بې غوږه شو. نو په پیړیو [illegible] یې جبیره کولای نه شو.

په پای کې جمعیت اسلامي افغانستان ټولو وطنوالو ته د نیکمرغه کوچنې اختر مبارکي وایي او د هغې ورځې ورته هیله لري چې په ګرد هیواد کې سوله وي له شماله، جنوب ته او له شرقه. غرب ته اوله مرکزه هر یخواته په ملي خوشالي کې له وطنوالو سره وګوري.

پرویز مشرف:

که د تندلارو مخه ونه نیول شي نو زه او زما حکومت په خطر کې دی

دپاکستان پوځي مشر [illegible] خبرداری ورکړی که چیرې دمذهبي ډلو مخنیوی ونه شي نو پاکستان به پراقتصادي بندیزونو سربیره له هوائي بمباریو سره هم مخ شي.

ده چې خبرې رسنیو ته معلومات ورکول وویل، که پر پاکستان اقتصادي بندیزونو ولګول شي نو پر دغه ملک کې به ناوړه اغیزې ولري او همدا راز کیداي شي چې [illegible] زمونږ قبایلي سیمې [illegible] بمباري لاندې و[illegible] ول شي. ده په داګه وویل چې ما او زما حکومت ته نړیوال د شک په سترګو ګوري او مونږ د تندلارو او ترهګرو ملاتړ بولي که دغه انګیزه پرې [illegible] نه شي نو پاکستان به له سختو ناخوالو او ستونزو سره مخ شي. دیادوني وړده چې د طالبانو د حکومت له را پرزیدو را هیسې زمونږ پرهیواد د پاکستان له پولو څخه په وار وار تیري ترسره شوي دي.

افزونی معاش ماموربن و اجیران دولت اعلام شد

داکتر اشرف، غنی احمدزی وزیر مالیه دیروز طی یک کنفرانس مطبوعاتی، افزونی معاش کارمندان و اجیران دولت را اعلام نمود. وی گفت که این افزودی، شامل حال منسوبان نظامی و معلمان نمی باشد. وی ضمن توضیح بیشتر در باره تزیید معاشات بر اساس رتبه و درجه کارمندان و اجیران دولت گفت: برای معلمان قبلاً مدد معاش پرداخته شده است که به این دلیل این تزیید شامل حال آنان نمی گردد وی همچنان یاد آور شد که در آینده همین مدد معاش جزء معاش معلمان خواهد گردید.

وزیر مالیه گفت پس ازسالیان دراز دولت بادرنظر داشت وضع معیشتی ناگوار مامور چنین تصمیم را اتخاذ نموده است

ماموران دولت کها دیر زمانی انتظار می بردند که تناسب با وضع بازار وبلند رفتن نرخ مواد مصرفی اولیه معاش ماموری عادلانه تنظیم گردد، این مقدار ناچیز فزونی معاش ددر آنها را مداوا نخواهد کرد بلکه آوازه این فزونی معاش بازهم سبب بلند رفتن نرخ ها در بازار خواهد گردید وبس.

جدول ذیل تزیید معاش ماموران و اجیران را نشان می دهد:

مامورین:

رتبه درجه	معاش فعلی	معاش جدید	ماکولات	مجموع
خارج رتبه	٤٥٥	۳۱۸٥	۱٦٤۰	٤۸۳٥
مافوق	۲۱۰	۱٤۷۰	۱٦٤۰	۳۱۱۰
فوق	۱۷۰	۱۱۹۰	۱٦٤۰	۲۸۳۰
رتبه ۱	۱۳۰	۹۱۰	۱٦٤۰	۲۸۳۰
۲	۱۱۰	۷۷۰	۱٦٤۰	۲٤۱۰
۳	۹٥	٦٦٥	۱٦٤۰	۲۳۰٥
٤	۷۸	٥٤٦	۱٦٤۰	۲۱۸٦
٥	۷۰	٤۹۰	۱٦٤۰	۲۱۳۰
٦	٦۲	٤۳٤	۱٦٤۰	۲۰۷٤
۷	٥۷	۳۹۹	۱٦٤۰	۲۰۳۹
۸	٥۱	۳٥۷	۱٦٤۰	۱۹۹۷
۹	٤٦	۳۲۲	۱٦٤۰	۱۹٦۲
۱۰	٤۰	۲۸۰	۱٦٤۰	۱۹۲۰

اجیران:

رتبه درجه	معاش فعلی	معاش جدید	ماکولات	مجموع
فوق	۱۲۸	۸۹٦	۱٦٤۰	۲٥۳٦
۱	۱۱۳	۷۹۱	۱٦٤۰	۲٤۳۱
۲	۱۰۲	۷۱٤	۱٦٤۰	۲۳٥٤
۳	۹۳	٦٥۱	۱٦٤۰	۲۲۹۱
٤	۷٦	٥۳۲	۱٦٤۰	۲۱۷۲
٥	٦۸	٤۷٦	۱٦٤۰	۲۱۱٦
٦	٦۰	٤۲۰	۱٦٤۰	۲۰٦۰
۷	٥٥	۳۸٥	۱٦٤۰	۲۰۲٥
۸	٤۹	۳٤۳	۱٦٤۰	۱۹۸۳
۹	٤۳	۳۰۱	۱٦٤۰	۱۹٤۱

به این ترتیب اصل معاش هر کارمند مستحق در رتب ذکر شده در بالا هفت برابر افزایش می یابد.

انفجار در هوتل انترکانتیننتال کابل

شام دیروز انفجار سنگینی هوتل انترکانتیننتال کابل را لرزاند، بر اساس گزارش منابع امنیتی انفجار در باغ کنار این هوتل به وقوع پیوست.

هوتل انترکانتیننتال از جمله هوتل های بزرگ شهر کابل می باشد که تعداد زیادی از مسافران خارجی در آن اقامت گزیده اند. در گزارش گفته شده است که دراثر این انفجار کسی کشته ویا زخمی نشده ولی شیشه های ساختمان هوتل و خانه های مسکونی جوار آن آسیب دیده است. در مورد جزئیات بیشتر این حادثه تا کنون گزارش داده نشده است.